

۲۷- ای گلرخ ابهای من

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۲۷- ای گلرخ ابهای من

ای گلرخ ابهای من ای ربّی الاعلای من ای سدرهٔ سینای من جانم فدای روی تو ای دلبر طناز من
ای همدم و هم راز من این ناله و آواز من از حسرت این کوی تو این درگهت قبله من است بر خاک ره
قبله من است در طور حقّ شعله من است روی دلم زان سوی تو دلها ز غم پژمرده است جانها ز درد
افسرده است از فرقت آزرده است روح مسیحا بوی تو آفاق عنبربار شد مشک خطا ایثار شد
چون نکهت گلزار شد یک شمه ای از بوی تو ما را ز غم دلریش بین بیگانه از هر خویش بین بنگر اسیر
خویش بین در حلقه گیسوی تو گر چه پریشان خاطرم در جمع یاران حاضرم ای جان بسویت ناظرم
کو آن رخ دلجوی تو این چشم گریانم بین این قلب بریانم بین این آه سوزانم بین در حسرت یک موی
تو این خاک درگاهت بها این تشنه آبت بها اندر تب و تابت بها یک قطره ئی از جوی تو



ORIGINAL



AUDIO